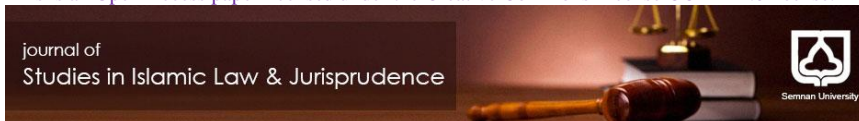


**Islamic Law and Jurisprudence Studies**  
**Volume 15, Consecutive Number 31, Summer 2023**  
**Issn:2717-0330**

**Journal Homepage:** <https://feqh.semnan.ac.ir/>

This is an Open Access paper licensed under the Creative Commons License CC-BY 4.0 license.



## **The status of visiting graves in comparative jurisprudence**

**Pishdad.Sadegh<sup>1</sup>- Molavi Vardanjani.Saeed<sup>2\*</sup>-Fahim.Mohsen<sup>3</sup>**

1: PhD student of jurisprudence and fundamentals of Islamic law, Najaf Abad Branch, Islamic Azad University, Najaf Abad, Iran.

2: Assistant professor of jurisprudence and private law, Shahrekord University, Shahrekord, Iran: Corresponding Author ([molavi-s@lit.sku.ac.ir](mailto:molavi-s@lit.sku.ac.ir))

3: Assistant professor of jurisprudence and fundamentals of Islamic law, Najaf Abad Branch, Islamic Azad University, Najaf Abad, Iran.

Attending the graves of the dead and, in other words, the dead, both righteous and corrupt, is one of the most controversial issues in Islamic jurisprudence. In such a way that different Islamic sects are sometimes placed together and the Imamiyyah and Sunni jurists have adopted a single opinion in line with each other; Although a part of the public has separated their way from other co-religionists here, they have moved towards the sanctity of the mentioned act and regarding the pilgrim as an idolater and an infidel. Of course, this does not mean that the fatwas of the jurists are dualistic, but the result of the detailed research and search in the jurisprudential and even theological sources of Imami and public thinkers shows the existence of four different theories in the debate. The writers, using descriptive-analytical methods and using library sources, think that the famous Imami and public jurists are right; it means that visiting the graves is permissible and desirable, but as long as there are no unnecessary actions and it is enough to attend the graves, read the Qur'an and supplication, and ask for forgiveness for the dead.

**Keywords:** visiting, tombs Inmate, comparative jurisprudence, permissible, extra action.

- S. Pishdad-S. Molavi Vardanjani-M.Fahim (2023). The status of visiting graves in comparative jurisprudence, *Islamic Law and Jurisprudence Studies*, 15(31), 77-112.

Doi: [10.22075/feqh.2022.24815.3058](https://doi.org/10.22075/feqh.2022.24815.3058)

فصلنامه مطالعات فقه و حقوق اسلامی

سال ۱۵- شماره ۳۱- تابستان ۱۴۰۲

صفحات ۷۷-۱۱۲ (علمی - پژوهشی)

تاریخ: وصول ۱۴۰۰/۰۷/۱۷ - بازنگری ۱۴۰۰/۱۰/۳۰ - پذیرش: ۱۴۰۰/۱۱/۰۵

## وضعیت شناسی زیارت اهل قبور در فقه مقارن

صادق پیشداد/ سعید مولوی وردنجانی<sup>۲\*</sup>/ محسن فهیم<sup>۳</sup>

۱: دانشجوی دکتری فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران.

۲: استادیار فقه و حقوق خصوصی، دانشگاه شهرکرد، شهرکرد، ایران (نویسنده مسئول) [molavi-s@lit.sku.ac.ir](mailto:molavi-s@lit.sku.ac.ir)

۳: استادیار فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران.

### چکیده

حضور بر مزار اموات و به تعبیری رفتگان خاک، اعم از صالح و فاسد، از موارد پرمناقشه فقه اسلامی است؛ به گونه‌ای که فرق مختلف اسلامی گاه در کنار هم قرار گرفته و فقیهان امامیه و اهل سنت، همسو با یکدیگر نظر واحدی را اتخاذ کرده اند؛ هر چند بخشی از عامه، در اینجا راه خود را از دیگر هم مذهبان جدا کرده، به سمت حرمت عمل مزبور و مشرک و کافر دانستن زائر حرکت کرده اند. البته این به معنای دوگانه بودن فتاوی فقیهان نیست بلکه نتیجه حاصل از کاوش و جستجوی مفصل در منابع فقهی و حتی کلامی اندیشمندان امامیه و عامه، وجود چهار نظریه مختلف را در محل بحث نشان می دهد. نگارندگان به شیوه توصیفی - تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای گمان می کنند حق با مشهور فقیهان امامیه و عامه است؛ یعنی زیارت اهل قبور جائز و پسندیده است، ولی تا جایی که افعال زائدی صورت نگیرد و تنها به حضور بر سر مزار، قرائت دعا و قرآن و خلاصه طلب بخشش برای اموات بسنده شود.

**کلیدواژه:** زیارت، اهل قبور، فقه مقارن؛ جائز، فعل زائد.

- پیشداد، صادق؛ مولوی وردنجانی، سعید؛ فهیم، محسن (۱۴۰۲). وضعیت شناسی زیارت اهل قبور در فقه مقارن.

مجله مطالعات فقه و حقوق اسلامی دانشگاه سمنان، شماره ۳۱، صفحات ۸۱-۱۱۲.

Doi: [10.22075/feqh.2022.24815.3058](https://doi.org/10.22075/feqh.2022.24815.3058)

## طرح مسأله

از جمله سؤالات پرمناقشه و مطرح بین مسلمین زیارت اهل قبور است. بر این اساس، آیا حضور بر سر مزار رفتگان خاک اعم از مسلمان یا کافر، صالح یا فاسد، خویشاوند یا بیگانه، جائز است؟ اگر پاسخ مثبت است آیا می‌توان برخی سنت‌های موجود در جامعه را انجام داد؟ آیا در این خصوص فرقی میان زن و مرد، مسلمان و کافر وجود دارد؟ فقیهان در این خصوص نظر واحدی ندارند و هر کدام به سمتی حرکت کرده‌اند. جالب آن که در این موضوع امامیه در یک طرف و عامه در سوی دیگری قرار نگرفته‌اند بلکه همه نظریات، طرفدارانی از فرق مختلف دارد. در این میان، نگارندگان به روش تو صیفی - تحلیلی بر این باورند که حق با مشهور است؛ ولی نباید فعل زائدی غیر از دعا، قرائت قرآن و طلب بخشش برای اموات صورت پذیرد. گفتنی است اولاً، این نوشتار در نوع خود، یعنی رویکرد تطبیقی آن سابقه نداشته است و مقالات یا کتب مرتبط قبلی، هم چهره تطبیقی ندارند و هم جامعیت آنها در اندازه مقاله حاضر نیست.

ثانیاً، از آنجا که در موضوع محل بحث، مفاهیم نامفهومی وجود ندارد در ادامه مستقیماً نظریات مشهور یا نادر مورد مطالعه قرار می‌گیرند.

### ۱- نظریه اول: جواز مطلق

در این خصوص طرح مطالب زیر لازم است:

۱-۱- مفاد نظریه: مشهور امامیه و عامه اعتقاد دارند زیارت قبور برای همه، زن یا مرد (علامه حلی، ۱۴۱۹: ۲/۲۹۳؛ شهید اول، ۱۴۱۹: ۲/۶۳) جائز، مستحب (علامه حلی، ۱۴۱۹: ۲/۲۹۲؛ شهید اول، ۱۴۱۲: ۸۱؛ همو، ۱۴۱۷: ۲/۱۷؛ مکارم شیرازی، ۱۴۲۸: ۷۰) و حتی از نظر ظاهریه واجب (ممدوح، ۱۴۱۶: ۶۱) است؛ اعم از آن که مزور (زیارت شده) مسلمان (امامیه یا غیر آن) باشد، یا کافر. گفتنی است به اعتقاد برخی، حکم بالا مربوط به قبور مردم عادی است و اِلَّا زیارت قبور پیامبر اکرم و ائمه اگر بر مستطیع و شخص توانا یک بار در طول عمر واجب نباشد، مستحب راجح نزدیک به وجوب

است (ابو معاش، ۱۴۲۸: ۳۲۶/۲) تا آنجا که نیابت فرد برای زیارت قبور و از جمله دعا نزد مقبره ر سول خدا صحیح نیست (جزیری و همکاران، ۱۴۱۹: ۱۶۶/۳) چون قائم به شخص است. البته در خصوص کفار گفته شده است که زیارت قبر آنان به خاطر یاد مرگ و نیز عمومیت دلائل جواز زیارت (آلوسی، ۱۴۱۵: ۱۵۵/۱۰) جائز است اما مطابق آیات قرآن (توبه: ۱۱۳) دعا برای اینان، حتی اگر از بستگان درجه یک زائر باشند، برای هیچ کس اعم از رسول خدا و مؤمنین، جائز نیست؛ زیرا اینان هرگز بخشیده نخواهند شد و سرنوشت حتمی آنان جاودانگی در جحیم است و لذا طلب خیر و آرزوی بخشش برای آنها لغو و حرام است (انصاری، ۱۴۱۸: ۱۷۶/۱). اگر اشکال شود که حضرت ابراهیم برای آزر، پدر [عموی] مشرکش، دعا و طلب مغفرت کرد؛ جواب آن است که مطابق آیات قرآن، دعای ایشان قبل از علم به شرک و دشمنی او با خداوند بوده است (توبه: ۱۱۴).

#### ۱-۲- مستندات: عبارتند از:

#### اول: کتاب

۱- آیه: «بر هیچ یک از آنها که بمیرد نماز نخوان، و بر کنار قبرش نایست؛ چراکه آنها به خدا و رسولش کافر شدند، و با فسق از دنیا رفتند» (توبه: ۸۴)؛ منطوق آیه از ایستادن بر قبور اهل نفاق و اقامه نماز بر آنها نهی کرده است که ظهور در حرمت دارد. در نتیجه مفهوم آن نشان می‌دهد که حضور بر سر مزار مؤمن و غیر منافق، قبل از تجهیز و دفن و بعد از آن (علماً مه طباطبائی، ۱۴۱۷: ۳۶۰/۹؛ طبرسی، ۱۴۱۳: ۸۷/۵؛ آلوسی، ۱۴۱۵: ۳۴۳/۵؛ محلی و همکاران، ۱۴۱۶: ۲۰۳/۱؛ حقی بروسوی، ۱۴۰۵: ۴۷۸/۳؛ بیضاوی، ۱۴۱۸: ۹۲/۳) اشکالی ندارد (مرکز مباحث اعتقادی، ۱۴۳۰: ۱۵۴/۵؛ حمود عاملی، ۲۰۲۰: ۳۸۹/۲).

۲- آیات «تفاخر و تکاثر شما را به خود مشغول کرده است تا آنجا که به زیارت قبرها رفتید» (تکاثر: ۲-۱) در اینجا خداوند طعنه‌ای به نفس زیارت قبور ندارد و فقط به

شمارش تعداد قبور، به منظور تفاخر و تکاثر کنایه زده است و اگر واقعاً زیارت اهل قبور مردود بود، خداوند مستقیماً از آن نهی می‌کرد (محقق سبزواری، ۱۴۱۶: ۴/۲۱۰).  
 ۳- آیات مربوط به تفکر در امر آخرت و زودگذر بودن دنیا نیز دلایل یا دستکم مؤیدات خوبی برای جواز زیارت قبور هستند؛ زیرا بدون تردید، حضور بر مزار اموات و زیارت آنها بهترین موجب برای این هدف است (همان: ۳۴/۱۵).

### دوم: سنت

۱- رسول خدا فرمودند: «قبور را زیارت کنید؛ زیرا شما را به یاد آخرت می‌اندازد» (نیشابوری بی تا: ۸۲/۶؛ ابن ابی الحدید، ۱۹۵۹: ۳۴۴/۲۰؛ ابن ابی فراس و همکاران، ۱۴۱۰: ۲۸۸/۱؛ پاینده، ۱۴۲۴: ۵۱۰؛ سیوطی، ۱۴۰۱: ۲۹/۲).

۲- آن حضرت فرمودند: «من شما را از زیارت قبور نهی کردم؛ پس شما آن را زیارت کنید که موجب زهد در دنیا است و شما را به یاد آخرت می‌اندازد» (نسائی، ۱۳۴۸: ۲۳۴/۷؛ ۳۱۰/۸؛ هیشمی، ۱۴۰۸: ۲۵/۴؛ ابن حنبل، بی تا: ۳۸/۳؛ طبرانی، ۱۴۰۴: ۲۷۸/۲۳؛ القاری، بی تا: ۱۰۵)؛ این خبر در مجامع روایی شیعه (ابن ابی جمهور، ۱۴۰۵: ۶۱/۲؛ شیخ صدوق، ۱۴۲۷: ۴۳۹/۲؛ همو، ۱۴۱۵: ۷۰؛ حرّ عاملی، ۱۴۰۹: ۱۴/۱۷۱) به مانند برخی عامّه (ابن بلبان، ۱۴۱۴: ۲۱۳/۱۲) با بیان دیگری آمده، ولی همان مضمون است.

برخی معتقدند با توجه به شأن صدور روایت، نهی اولیه ایشان هم ناظر به مواردی است که فردی هنگام زیارت سخنان بیهوده بزند و ارتباطی با نفس زیارت ندارد؛ زیرا در زمان جاهلیت رسم بود که بر سر قبور ندبه می‌کرده و سخنان دروغ را در و صف امواتشان می‌گفتند (جزیری و همکاران، ۱۴۱۹: ۱۷۳/۱؛ سرخسی، ۱۴۰۶: ۱۰/۲۴).  
 شاهد این معنا آن که از رسول خدا نقل شده است که من شما را از زیارت قبور نهی کرده بودم، شما قبور را زیارت کنید ولی سخنان بیهوده (شافعی، بی تا: ۳۶۱؛ طبرانی، ۱۴۰۴: ۲۰۲/۱۱؛ اصبهانی، ۱۴۱۵: ۱۴۶؛ ابن ابی جمهور، ۱۴۰۵: ۴۵/۱) یا موجب سخط خداوند نگوئید (طبرانی، ۱۴۱۵: ۵۲/۷) و نیز کارهای نصاری؛ مانند دست کشیدن بر

قبر و بوسیدن آن را انجام ندهید (مناوی، ۱۴۱۵: ۸۱/۴) بنابراین مطابق برخی اخبار (ابن ابی جمهور، ۱۴۰۵: ۶۱/۲) ممنوعیت اولیه زیارت قبور نسخ شده است (میرداماد، ۱۴۲۲: ۲۴۸).

۳- در سنت فعلی هم رسول خدا به زیارت قبر مادرشان می‌رفته و می‌فرمودند برای این کار از خداوند اجازه گرفته‌ام؛ لذا شما هم به زیارت قبور بروید زیرا موجب یاد آخرت می‌شود. همچنین از عائشه نقل شده است که رسول خدا آخر شب‌ها به زیارت اهل بقیع می‌رفتند و به آنها سلام می‌دادند (نیشابوری، بی تا: ۶۶۹/۲)؛ همچنین واقعی نقل کرده است که رسول خدا همه ساله قبور شهدای احد را زیارت می‌کردند. نیز حضرت زهرا (سلام الله علیها) دو سه روز یک بار شهداء را زیارت کرده و می‌فرمودند رسول خدا به زیارت قبور شهداء و سلام بر ایشان امر کرده‌اند (عاملی، ۱۴۲۳: ۱۵۱/۲؛ همو، ۱۴۲۶: ۲۹۲/۷)؛ همین طور امام صادق (ع) از حضرت امیر (ع) نقل می‌کنند که ایشان هنگام زیارت قبور مؤمنین، ادعیه و عبارات خاصی را قرائت می‌کردند (ابن قولویه، ۱۳۹۷: ۳۲۰؛ شیخ طوسی، ۱۴۱۴: ۵۲۵؛ شیخ صدوق، ۱۴۱۸: ۱۲۵).

### سوّم: عقل

گفته شده است رجحان و برتری زیارت مردگان از این نگاه قابل انکار نیست (محقق سبزواری، ۱۴۱۶: ۲۱۰/۴) اما در این خصوص تقریرات زیادی به شرح زیر وجود دارد:

۱) مسأله زیارت اهل قبور یک مسأله فطری و عقلایی است و اصل بر جواز آن است (مرکز مباحث اعتقادی، ۱۴۳۰: ۱۵۵/۵).

۲) زیارت اهل قبور، مقدمه یاد مرگ است که برکات فراوانی به دنبال دارد (جزائری، بی تا: ۶۴) و به منظور مزید اعتبار و پندگیری بیشتر، زائر باید هنگام زیارت مشغول دعا و تضرع به درگاه خداوند شود و از خوردن و آشامیدن پرهیز کند (ابوالبرکات، بی تا: ۴۲۲/۱) یا گفته شده است زیارت قبور موجب دوری از شهوات و

دلبستگی به دنیا و نیز انجلاء و رهائی از غم و اندوه می شود (شهید اول، ۱۴۱۲: ۲۸)؛ بر این اساس، زیارت اهل قبور از باب مقدمه مستحب و جائز، دستکم جواز و استحباب عقلی دارد، هرچند با پذیرش قاعده ملازمه، در جواز و استحباب شرعی آن هم تردیدی نیست.

۳) از نظر علمی ثابت شده است که میان زیارت کننده (زائر) و زیارت شوند (مزور) ارتباط برقرار می شود (حنفی، ۱۳۹۶: ۱۴) حتی برخی در این خصوص نوشته اند که تعلق انسان به بدنش جداً بسیار است، تا آنجا که بعد از جدائی و مرگ، به اجزاء بدنش اشتیاق دارد و به همین خاطر، وقتی کسی قبر فرد دیگری را زیارت می کند و از علایق جسمانی و طبیعی آنها سخن می گوید بدن او متوجه عالم عقلی و در آنجا با بدن میت مواجه می شود و همدیگر را می بینند؛ مانند آن که انسان در آئینه نگاه و بدن خود را مشاهده نماید و از همین طریق زائر کمال می یابد (حنفی، ۱۳۹۶: ۱۴؛ تفتازانی، ۱۴۰۱: ۴۳/۲). مؤید این تقریر نیز آن که در روایات امامیه و عامه، به تواتر آمده است که در زیارت، مزور صدای زائر را می شنود و حتی پاسخ می دهد ولی زائر نمی شنود؛ حتی نقل شده که مزور زائر را می شناسد (معراج الدین، بی تا: ۲۹؛ انصاری، ۱۴۲۰: ۱۸/۳). ابن قیم جوزی و نیز برخی فقیهان امامیه به استناد برخی اخبار صحیح گفته اند وقتی زندگان، قبر فرد میت را ترک می کنند او صدای کفش آنها را می شنود و بعد اضافه کرده است که سلام دادن به کسی که نمی شنود و پاسخ نمی دهد محال و ناممکن است، در حالی که رسول خدا به شیوه مخصوصی به اموات سلام می داده اند و این نشان می دهد که مخاطبین ایشان سلام را با گوش برزخی شنیده، فهمیده و پاسخ می داده اند، هرچند مسلمان زنده و سلام دهنده عادی پاسخ آنها را متوجه نمی شود (ابن قیم جوزیه، ۱۴۱۸: ۱۰۵؛ عاملی، ۱۴۲۱: ۱۶۱/۲؛ انصاری، ۱۴۲۰: ۱۸/۳). در روایات امامیه هم آمده است که مزور متقابلاً و در پاسخ به اکرام او، به زائر اکرام و حق او را در زیارتش ادا می کند (شیخ صدوق، ۱۴۰۶: النص/۲۸؛ همو، ۱۴۲۷: ۳۱۸/۲)؛ باز در اخبار وارد شده است که اگر زیارت اهل قبور ترک شود، اموات وحشت

می‌کنند و زیارت شما از ایشان به آنها آرامش و انس می‌دهد (کلینی، ۱۴۰۷: ۲۲۸/۳؛ شیخ طوسی، ۱۴۱۴: النص/۶۸۸؛ حرّ عاملی، ۱۴۰۹: ۴۱۵/۷) یا امام صادق فرموده اند که اموات از استغفار و ترحمّ به آنها با زیارتشان خوشحال می‌شوند، همان طور که زندگان از اعطاء و گرفتن هدیه شادمان می‌گردند؛ زیرا سبب برداشته شدن تنگی و سختی قبر از آنها و نیز آمرزش و بخشش گناهان و خطایایشان می‌شود و اموات این را می‌دانند و می‌فهمند (شیخ صدوق، ۱۴۱۳: ۱۸۳/۱؛ حرّ عاملی، ۱۴۰۹: ۴۴۴/۲) و با همین مضمون امام باقر(ع) فرموده اند روزهای جمعه به زیارت اهل قبور بروید که آنها شما را می‌شناسند (حرّ عاملی، ۱۴۱۴: ۲۵۸/۳) یا نقل شده است که اموات، حمل کنندگان، غسل دهندگان و دفن کنندگان خود را می‌شناسند (عبدالسّلام، ۱۴۱۶: ۳۰).

۴) بدون تردید اهل سعادت و ابرار (نیکان جامعه) کسانی هستند که مردم در زمان حیاتشان به آنها تبرکّ می‌جویند و این تبرکّ تا بعد از فوت هم ادامه دارد و حتی بر آن افزوده می‌شود؛ زیرا ایشان با فوت، وارد عالم و معدن خیرات و برکات می‌شوند و جسم آنها از این عالم ماده و شهوت منقطع می‌گردد. با این وصف عقل به حُسن درک این برکات و محروم نماندن از آنها حتی و بخصوص بعد از فوت حکم می‌کند و بالاتر از این، زیارت مؤمنین، نوعی دوستی و یکی از حقوق آنهاست، زنده باشند یا مرده؛ پس باید علاوه بر زیارتشان در زمان حیات، بعد از مرگ هم در قالب زیارت قبور آنها اداء شود (محقق سبزواری، ۱۴۱۶: ۳۴/۱۵).

۵) همه اولیاء، ائمه و حتی همه انسان‌های ساکن روی زمین با چیزی به دیگری نفع و ضرر نمی‌رسانند مگر خداوند رساندن نفع یا ایراد ضرر توسط آن شیء را اراده کرده باشد. پس ایشان تأثیر، نفع و ضرری ندارند مگر به اذن خداوند؛ بر این اساس، پس زیارت قبور این خواصّ [یعنی رسول خدا و ائمه طاهرين] از قبیل تأسّی به اخلاق ایشان، اقتداء به روش‌های نیکو و عبرت و پندگیری در راستای زنده نگه داشتن نام و یادشان است و این معنا در نگاه هر دو فرقه امامیه و عامّه مباح است (مظفر، بی تا: ۲۱).



۶) ارواح اولیاء، صالحین، مؤمنین و دیگران با اجسامشان در قبور اتصال و ارتباط دارند، گاهی به آنها بر می‌گردند و از زیارت کنندگانشان خبر می‌دهند. برای همین اموات از اموری که زندگان تنفر دارند، اذیت می‌شوند. بر همین اساس و نیز مطابق روایات صحیح، نشستن و راه رفتن روی قبور حرام و سلام بر اموات و زیارتشان مستحب است (نبهانی، ۱۹۸۴: ۱۴۷). در این راستا برخی گفته‌اند که همه اینها به آن خاطر است که اموات بعد از مرگ، زندگی و حیات برزخی دارند و با همان زندگی می‌فهمند، می‌شنوند و زیارت کنندگان خود را می‌شناهند و می‌بینند. اگر آنها کار خیری انجام دهند از خداوند زیاد شدن آن را و به خاطر رفتارهای زشتشان استغفار و برای هدایت ایشان دعا می‌کنند. این معنا مبتنی بر صریح آیات قرآن، روایات و اجماع امت بوده و مخالفین آن، بدعتگذاران خارج از سنت نبی مرسل، ملحق به کفار و منکر قیامت اند (طحطاوی، ۱۴۰۶: ۲).

#### چهارم: سیره متشرعه

زیارت اهل قبور به ویژه انبیاء، ائمه، علما و افراد صالح و دیگران، همیشه و در طول تاریخ میان افراد متشرع و مقید به شریعت در تمام بلاد اسلامی بدون استثناء و متصل به زمان حضور جاری بوده است (کاشف الغطاء، ۱۴۱۶: ۶؛ محقق سبزواری، ۱۴۱۶: ۴/۲۱۰؛ عاملی، ۱۴۲۳: ۲/۱۵۰؛ همو، ۱۴۲۶: ۷/۲۹۲).

#### پنجم: اجماع امامیه و عامه

از نظر همه اهل اسلام بلکه عقلاء و نیز بزرگان اهل سنت و معتدلین ایشان، زیارت قبور مؤمنین و شایستگان جامعه پسندیده است تا چه رسد به انبیاء، معصومین، شهداء، علماء عامل، و متقین؛ و در این خصوص مخالفی وجود ندارد مگر گروه نادر از اهل اسلام (مظفر، بی تا: ۲۱؛ عبدالله علی، ۱۴۲۶: ۱۱۹؛ مکارم شیرازی، ۱۴۲۸: ۷۰؛ محقق سبزواری، ۱۴۱۶: ۴/۲۱۰). در برخی منابع آمده است قاضی عیاض از بزرگان فقه عامه در مسأله جواز زیارت قبور، به ویژه قبر رسول خدا، نقل اجماع کرده است و اجماع مزبور نتیجه ضروری دین و مسلم بودن آن در سیره صحابه است (عاملی، ۱۴۲۱: ۳۱).

۱۸/۵؛ برخی هم گفته‌اند ائمه و حاملین شرع مقدّس در همه فرق اسلامی بر جواز نفس زیارت اجماع دارند و اختلافشان تنها بر سر وجوب یا استحباب آن است. بر این اساس، اگر کسی با اصل جواز آن مخالفت کند، خرق اجماع کرده است (زینی دحلان، ۱۹۷۶: ۴).

### ششم: عمل عایشه

بعضی از فقیهان عامّه برای اثبات شمول جواز زیارت نسبت به زنان و مخالفت با ممنوعیت زیارت آنها به عمل عایشه همسر رسول خداوند استناد کرده و گفته‌اند که نقل شده است عایشه همیشه به زیارت قبر پیامبر می‌رفتند و هرگاه حاجتی داشتند کنار قبر برادر خود عبدالرحمن رفته و آنجا آن را طلب می‌کردند (سرخسی، ۱۴۰۶: ۱۰/۲۴).

### هفتم: عمل صحابی

علاوه بر پیامبر (ص) صحابه ایشان، از جمله خلفای سه گانه و حتی معاویه، سعد بن ابی وقاص و ابی سعید خدری هم به زیارت قبور، به ویژه قبور شهدای احد، مبادرت داشتند (عاملی، ۱۴۲۶: ۲۹۲/۷). سلمان فارسی هم به این مسأله اهمیت می‌داده و در بعضی منابع، سلام ایشان به اهل قبور نقل شده است که همین مسأله را نشان می‌دهد (عاملی، ۱۴۲۶: ۳۰/۸) حتی گفته شده است بعد از ایشان، بعضی بزرگان دیگر از عامّه؛ همچون ابوبکر ابن خزیمه، پیشوای اهل حدیث و عدیل او، ابی علی ثقفی، عازم طوس می‌شدند و در آنجا ضریح حضرت رضا (ع) را زیارت و آن بقعه نورانی را تعظیم و در آنجا تواضع و تضرّع می‌کردند (میلانی، ۱۴۲۱: ۴۱) یا در اخبار صحیحی از زیارت بلال و عمر بن عبدالعزیز از قبر رسول خدا، و فرزند عمر از قبر پدرش و ابوبکر سخن گفته شده است (عاملی، ۱۴۲۱: ۲۰/۵)؛ بر این اساس اصحاب، تابعین، تابعین تابعین و تمام علمای سلف نسبت به زیارت قبور، عموماً و قبر رسول خدا بخصوص، عنایت و اهتمام داشته‌اند و این مسأله قطعاً از مسلمات سیره صحابه به شمار می‌آید (عاملی، ۱۴۲۱: ۱۸/۵).

### ۱-۳- نقد و بررسی

در کنار اتقان غالب ادله بالا، برخی از آنها مورد ایرادات ناوارد یا صحیح، به شرح زیر قرار گرفته‌اند:

الف- در خصوص روایت اول آنگونه که برخی از ذهبی نقل کرده‌اند ایشان در سند آن، یعنی موسی الضبی از یعقوب بن ابراهیم از یحیی بن سعید از ابی مسلم خولانی از ابن عمیر (از ابی ذر) تردید کرده و گفته است موسی الضبی، منکر و غیر قابل اعتماد است؛ یعقوب هم واهی است؛ یعنی وجود خارجی ندارد. یحیی هم ابومسلم را درک نکرده است؛ پس حدیث منقطع است یا این که ابومسلم انسان مجهول و ناشناخته‌ای است (مناوی، ۱۴۱۵: ۸۱/۴)؛ اما این ایراد وارد نیست؛ چون اولاً مناوی، خود، از حاکم نقل کرده است که راویان خبر همه ثقه‌اند (همان) و در منابع شیعه و سنی هم آمده و به آن عمل شده است. ثانیاً، با فرض ضعف سند هم، مشکلی نیست و عمل اصحاب آن را جبران می‌کند، بخصوص که متن خبر با آیات قرآن و نیز اصول عقلی و عقلانی ناسازگار نیست؛ بنابراین، در انتساب متن و مضمون خبر به پیامبر، به نظر نگارندگان، کمترین تردیدی وجود ندارد هر چند الفاظ آن مختلف است که اشکالی ندارد.

ب- اجماع هم پذیرفته نیست؛ زیرا برخی آن را فقط برای زیارت مردان پذیرفته و گفته‌اند هر چند از اخبار، جواز زیارت زنان استفاده می‌شود اما در این مسأله اجماعی بین امامیه (شهید اول، ۱۴۱۹: ۶۳/۲-۶۲؛ میرزای قمی، ۱۴۱۷: ۵۶۲/۳) و عامه وجود ندارد؛ مضاف بر آن که اجماع مدرکی است.

ج- اما در مورد رفتار عایشه به نظر می‌رسد صدر و ذیل خبر چندان همگون و دقیق نباشد که ایشان مزار رسول خدا را تنها زیارت کرده ولی برای طلب حاجت به زیارت قبر برادرشان رفته باشند. این نقد جایی بیشتر جلوه دارد که اساساً در فقه عامه، زیارت قبور تنها برای دعا و طلب رحمت و مغفرت برای مردگان جائز است، نه به قصد طلب

حاجت؛ و این مورد اخیر، شرک اکبر و حرام است؛ خواه قبر اولیاء باشد یا دیگران (الدویش، ۱۴۰۹: ۵۳/۱).

د- رفتار صحابه نیز ارزش استقلالی نداشته و تنها ذیل رفتار رسول خدا اعتبار دارد. گفتنی است با همه اینها اما دلالت آیات و روایات بر نظر مشهور روشن است، ولی نباید رفتار زائدی غیر از دعا و طلب بخشش و قرائت قرآن انجام شود.

## ۲- نظریه دوم: حرمت مطلق

در این خصوص گفتنی است:

### ۲-۱- مفاد نظریه

فقیهان مذهب حنفی (وردانی، ۱۴۲۴: ۶۴) و به تعبیری معاصرین و تجربیین، بخصوص اصحاب ابن تیمیّه (مظفر، بی تا: ۲۱؛ عاملی، ۲۰۰۵: ۵۶/۱۲) و پیروان شاگردش محمد بن عبدالوهاب (مظفر، بی تا: ۲۱) گفته‌اند اعتقاد به اباحت زیارت اهل قبور و به ویژه مشاهد مشرفه، مطلقاً امری باطل، خرافه، کفر و بدعت در دین است.

### ۲-۲- مستندات

مستندا این نظریه عبارت‌اند از:

۱- کتاب: مطابق برخی آیات قرآن (فاطر: ۲۲؛ نمل: ۸۰) همه مردگان، از جمله پیامبر بعد از مرگ چیزی نمی‌شنوند و قادر به انجام هیچ کاری برای خود و به طریق اولی برای دیگران نیستند (انصاری، ۱۴۲۰: ۱۷/۳)؛ در نتیجه، زیارت ایشان حاصلی نداشته، لغو و حرام است. به همین خاطر از اَلبانی نقل شده است کسانی که به مردگان، اعم از انبیاء، همه صالحین و دیگران استغاثه می‌کنند با این توهم که صدای زندگان را می‌شنوند به طور مداوم در دوران جاهلیت اولی سیر و زندگی می‌کنند (عاملی، ۱۴۲۱: ۱۶۱/۲).

۲- سنت: حدیث شدّ رحال که مطابق آن ابوهریره یا ابو سعید خدری از رسول خدا نقل می‌کنند که آماده سفر نشوید مگر برای سه مسجد؛ مسجد من (مسجد النبوی) و مسجد الحرام و مسجد الاقصی (المصنف لعبد الرزاق، بی تا: ۱۳۳/۵-۱۳۲)؛ مسند

احمد، بی تا: ۲/۲۷۸؛ ۳/۷۷؛ صحیح البخاری، بی تا: ۲/۷۷-۷۶؛ صحیح مسلم، بی تا: ۲/۱۴؛ سنن ابن ماجه، ۱/۴۵۳-۴۵۲؛ سنن النسائی، ۱۳۴۸: ۲/۳۷؛ الجامع الصحیح ۲/۱۴۸؛ مسند أبی یعلیٰ (۲/۳۸۸)؛ از آنجا که منطوق این خبر تنها مسافرت و کوچ به منظور زیارت مساجد سه گانه مزبور را اجازه داده است مطابق مفهوم آن، سفر به قصد زیارت اهل قبور ممنوع است.

اشکال: روایت، مربوط به حرمت سفر است نه زیارت.

جواب: حرمت سفر دلیل واضحی بر حرمت زیارت است؛ زیرا اگر زیارت جائز بود دلیل نداشت که مقدمه آن، یعنی سفر به قصد زیارت حرام باشد.

۳- زیارت قبور و به ویژه مشاهد و ضرایح متبرکه از جمله ضریح پیامبر، عمل مشرکانه است؛ زیرا همان طور که مشرکین با نزدیک شدن به بتها و عبادت و تملق برای آنها قصد تقرب به خدا داشتند مسلمانان شیعه و سنی هم با زیارت قبور، قصد قربت و عبادت دارند و این همان عمل مشرکانه اهل شرک (اراکي، ۱۴۱۵: ۱/۵۳۸) و حتی به اعتقاد محمد بن عبدالوهاب، شیعی و زشت تر از آن است (ابن مرزوق، ۱۹۷۶: ۹۷)؛ از ابن تیمیه هم نقل شده است که زیارت قبور، شرک و نوعی بدعت در دین است (بیومی، ۱۴۱۸: ۷۲).

۴- سدّ ذرائع: بر این اساس، حرمت زیارت قبور به منظور جلوگیری از انتشار شرک حرام است (زینی دحلان، ۱۹۷۶: ۵).

۵- تمام احادیثی که در باب جواز زیارت، بخصوص زیارت قبر پیامبر اکرم وارد شده است، ساختگی هستند (عاملی، ۱۴۲۱: ۱۸/۵).

۶- اجماع: ابن تیمیه گفته است زیارت قبر پیامبر اعظم و نیز سائر انبیاء، معصیت خداوند و به اجماع مسلمان حرام است (عاملی، ۱۴۲۱: ۲۱/۵).

۷- زیارت قبور عامه مردم و حتی صالحین و اهل طاعت جائز نیست؛ زیرا اسلام میت در زمان فوت، معلوم نیست و عقلاً کفر او هم احتمال دارد و همین مقدر برای اثبات عدم جواز کافی است (سجاعتی، ۱۹۷۶: ۸).

۸- اصل منع: گفته‌اند اصل بر منع و حظر است مگر آن که دلیلی از شرع بر جواز وارد شود (مرکز مباحث اعتقادی، ۱۴۳۰: ۱۵۵/۵).

### ۲-۳- نقد و بررسی

دلایل بالا به شرح زیر مردوداند:

الف- آیات قرآن اضافه بر آن چه قبلاً در مورد شنیدن و واکنش اموات و از جمله اولیاء خداوند به دعا و زیارت زائرین از نظر علمی و احادیث بیان شد، مربوط به عدم تأثیرپذیری کفار لجباز از موعظه و تذکر رسول خداوند است و ربطی به ادعای مطرح شده ندارند. البته این به معنای نشنیدن موعظه نیست، بلکه چون نمی‌توانند و یا نمی‌خواهند اقدامی در راستای عمل به نصیحت انجام دهند از آن به نشنیدن تعبیر شده است. شاهد آن هم این که روایات مستفیض بلکه متواتری از شیعه و سنی وارد شده است که رسول خدا سلام و صدای زائر شان را از نزدیک یا دور می‌شنوند و پاسخ می‌دهند؛ نهایتاً زائر پاسخ ایشان را نمی‌شنود. بر همین اساس، توصیه شده است که اگر امکان زیارت از نزدیک ندارید صبح جمعه با لباس تمیز و بدن پاک بر بلندای منزل خود رفته و رو به حرم ایشان یا دیگر معصومین سلام دهید (حرّ عاملی، ۱۴۱۴: ۴۵۶/۵-۴۵۸)؛ یا روایات گفته‌اند در کنار قبر والدیتان، حاجات خود را طلب کنید تا آن را از خداوند درخواست کنند. در پاسخ به البانی نیز گفته شده است یعنی ابن قیم هم که به استناد اخبار صحیح بخاری و مسلم از شنوا بودن اموات و شنیدن سلام زندگان و حتی صدای کفش آنها سخن گفته، متوهم بوده و برای همیشه در دوران جاهلیت اولی زندگی می‌کرده است؟! (عاملی، ۱۴۲۱: ۱۶۱/۲).

ب- اما حدیث شدّ رحال به جهات زیر ایراد دارد:

۱- سند آن مخدوش است.

۲- مفهوم مخالف حدیث تنها شامل مساجد دیگر غیر از مساجد سه گانه می‌شود و مشاهده و قبور را در بر نمی‌گیرد؛ چون بین مشاهد و مساجد تفاوت روشنی است.

علاوه بر آن که دلیل نهي از سفر برای مسجد، وجود آن در هر شهر و دیاری است که در مورد مشاهد مطرح نیست (غزالی، بی تا: ۴۴۶/۳؛ شهید اول، ۱۴۱۹: ۱۱۰/۳-۱۱۱).

اشکال: در برخی نسخ روایت، «لا تشد الرحال إلی مکان» وارد شده است.

جواب: اول این که نتیجه بررسی های نگارندگان نشان می دهد که این تعبیر در هیچ متنی وارد نشده است دوم آن که در این صورت، هر نوع مسافرتی - خواه برای زیارت باشد یا غیر آن - حرام یا مکروه می شود که هیچ فقیهی آن را ادعا نکرده است (عبدالله علی، ۱۹۷۶: ۱۲۳).

۳- در موضوع روایت (انحصار اقامه عبادت در مساجد سه گانه) هم نهي آن تنزیهی است و نهایتاً بر نفی تفضیل حمل می شود نه تحریم (عبدالله علی، ۱۹۷۶: ۱۲۲؛ ابن قدامه، بی تا: ۱۰۴/۲؛ ابن قدامه، بی تا: ۹۳/۲).

۴- گفته شده که خبر مزبور اساساً به درستی فهم نشده است؛ زیرا منظور روایت، نهي از سفر برای ادای نذر اعمال عبادی مانند نماز است نه زیارت؛ بنابراین اگر کسی نذر کند که در جایی غیر از مساجد سه گانه نمازی برپا کند مطابق این خبر، نذر او الزام آور نیست (سجعی، ۱۹۷۶: ۹).

۵- خبر معارض دارد؛ چون در خبر صحیحی وارد شده است که رسول خدا پیاده یا به صورت سواره به مسجد قبا می رفتند و در آنجا دو رکعت نماز می خواندند (مرکز مباحث اعتقادی، ۱۴۳۰: ۱۵۵/۵) بر همین اساس، به منظور جمع میان آنها، خبر محلّ بحث بر نفی تفضیل حمل یا به مسأله نذر ختم شد.

اما ادعای مشرکانه بودن زیارت، به دلایل زیر قابل قبول نیست:

۱- اگر مکلف، فعلی را به امر خداوند و مطابق شیوه نامه ایشان انجام دهد قطعاً از فرمان خداوند اطاعت کرده است و شرکی در میان نیست. از این نمونه موارد زیادی در فقه و جاهای دیگر هست؛ مانند سجده ملائکه بر آدم ابوالبشر که چون به امر خداوند انجام شد، توحید و فرمانبرداری و تخلف از آن ممنوع و موجب غضب خداوند و دوری از بارگاه ایشان شد. یا مثل اقامه نماز به سمت مکه و خانه خداوند و

طواف گرد خانه خدا، در مناسک حجّ که بدون آن نماز و حجّ باطل است؛ البته اگر زائر علاوه بر زیارت قبور، عملی انجام دهد یا سخنی بگوید که امری از سوی خداوند ندارد یا حتّی از آن نهی شده است مانند سجده بر قبور ائمه یا حتّی وجود مبارک ایشان در زمان حیات، مرتکب شرک شده است؛ به همین خاطر ائمه برای بوسیدن دستان مبارکشان اجازه می‌دادند ولی از بوسیدن پاهایشان منع و نهی اُکید و صریح داشتند؛ چون اوّلی برخلاف مورد اخیر، مستلزم سجده و به خاک افتادن در مقابل ایشان نیست (بیومی ۱۴۱۸: ۷۲).

۲- دستکم شیعه امامیه، بخصوص در زیارت مشاهد مشرفه و طلب شفاعت و حاجات از رسول خدا و ائمه، برای ایشان استقلال قائل نیست بلکه ایشان را انسان‌های وجیهی می‌دانند که امیدوارند خداوند به خاطرشان به نیاز آنها پاسخ دهد یا از گناهانشان درگذرد. و این عین توحید است؛ زیرا در این نگاه، تنها خداوند برآورنده حاجات و آمرزنده گناهان است در حالی که مشرکین نسبت به بت‌ها چنین تحلیلی نداشتند؛ یعنی آنها را مستقلّ از خداوند و همسان با او در رفع نیازها می‌دانستند. بله اگر شیعه ای ائمه را مستقلّ بدانند و برای همین از آنها درخواستی داشته باشد، مشرک است (عاملی، ۲۰۰۵: ۵۶/۱۲).

۳- اسناد قطعی تاریخی نشان می‌دهد که پیامبر اهل قبور را زیارت می‌کردند و حجر الاسود را می‌بوسیدند. آیا می‌توان ایشان را مشرک دانست؟! هرگز. آیا زیارت خلیفه دوّم از قبر رسول خدا و درخواست شفا از بیماری و نیز بوسیدن حجرالاسود، بلال و عمر بن عبدالعزیز از قبر رسول خدا، ابن عمر از قبر ابوبکر صدیق و پدرش، که از مسلمات تاریخ اند و در اخبار صحیح وارد شده اند بدعت در دین است؟! هرگز (عاملی، ۱۴۲۱: ۲۰/۵).

۴- قرآن کریم اصحاب کهف را تجلیل می‌کند و در مقام تأیید، نقل می‌کند که مردم آن زمان گرد آنها محلّ عبادت ساختند و آنها را بزرگ داشتند. با این او صاف،



چرا پیروان مکتب قرآن و پیامبر خدا و اصحاب بزرگوار ایشان به سنت آنها عمل نکنند و با توجهات نادرست از روش آنها دست بکشند؟! (همان: ۵۸/۵).

۵- مجرد تعظیم و تکریم، عبادت اصطلاحی یا پرستش نیست؛ چون عبادت، عمل قصدی بوده و انگیزه و نیت بندگی رکن و شرط درستی آن است. در حالی که زائر، حتی در زیارت قبر رسول خدا و ائمه هدی چنین قصدی ندارد بلکه تنها هدف او تکریم و احترام است و این مقدار، عرفاً و حتی لغه عبادت و پرستش محسوب نمی شود. اما مشرکان، به قصد بندگی و پرستش بت ها، گرد آنها طواف و عبادت می کردند (خرازی، ۱۴۱۸: ۷۰/۱؛ زینی دحلان، ۱۹۷۶: ۴).

۶- اما جمله منتسب به ابن تیمیه، به نظر درست نمی آید؛ زیرا ایشان بین زیارت مشروع و بدعتی تفاوت قائل شده و گفته است که زیارت دو گونه است؛ مشروع و بدعتی. اما مشروع، زیارتی است که به قصد دعا و طلب بخشش برای میت انجام می شود و زیارات منقول از رسول خدا هم از قبیل اند؛ ولی در زیارت بدعتی، زائر نسبت به مرده مرتکب عمل یا سخن نامشروع می شود (ابن تیمیه، ۱۴۱۸: ۱۸/۱؛ همو، ۱۴۲۴: ۱۲۵/۳۳؛ ۳۵۹/۳۵؛ بیومی، ۱۴۱۸: ۷۲).

و اما سدّ ضرائع، تخیل باطلی است؛ زیرا شرک با نفس زیارت و تعظیم و تبرک به قبور صالحان پیش نمی آید، بلکه در فرضی است که قبور، مساجد قرار گیرند، در کنار آن معتکف شوند، بر روی قبور تصویرسازی کنند و رفتارهایی از این قبیل صورت گیرد (زینی دحلان، ۱۹۷۶: ۵) بر همین اساس، فقیهان امامیه هم اقامه نماز در قبرستان، مسجد کردن قبرها و موارد دیگری از این قبیل را مکروه دانسته و گفته اند از روایات (کلینی، ۱۴۰۷: ۲۲۸/۳؛ شیخ صدوق، ۱۴۱۳: ۱۷۸/۱؛ حرّ عاملی، ۱۴۰۹: ۲۳۴/۳) تحریم استفاده نمی شود (علّامه حلّی، ۱۴۱۲: ۳۵۳/۶-۳۵۲؛ شهید اول، ۱۴۱۹: ۳۷/۲). ناگفته نماند که ایشان در این مسأله اجماع ندارند و برخی، هرچند علیرغم پذیرش اصل بحث، با گسترده‌گی آن مخالفت کرده و گفته اند که اخبار مورد ادعا واحدند و معارض دارند؛ لذا باید جمع شوند. نتیجه جمع نیز آن که کراهت، مربوط به

قبور عادی و جواز، مخصوص قبور ائمه و مشاهد مشرفه است (شهید اول، ۱۴۱۹: ۴۰/۲-۳۷). به هر حال، از نظر امامیه هم بعضی رفتارها و سنت های خاص، پسندیده نیستند ولی اولاً، باید جداگانه دیده شوند و ثانیاً، ملازمه ای بین حرمت آنها و حرمت اصل زیارت نیست؛ یعنی افعال زائد حرام یا مکروه، ولی نفس زیارت جائز است.

و اما نسبت به جعلی دانستن احادیث جواز، گفته شده است واقعاً آیا ابن تیمیه از خداوند و رسول ایشان حیا نمی کند و نمی ترسد؟! چگونه ایشان ادعائی می کند که هیچ عالمی از اهل حدیث و غیره و حتی جاهلی آن را بر زبان نمی آورد؟! چطور این همه اخبار صحیح که در صحاح ششگانه مبنی بر مشروعیت زیارت قبور، به ویژه قبر رسول خدا وارد شده است مانند خبر زیارت بلال حبشی از قبر ایشان بعد از رحلت پیامبر یا خبر ابن عمر از طریق دارقطنی از حفص و نیز خبر ابوهریره مربوط به جواز و لزوم سلام دادن به پیامبر کنار قبر ایشان برای رهائی از جهنم و استحقاق شفاعت را موضوع و ساختگی می داند؟! (عاملی، ۱۴۲۱: ۱۸/۵).

و اما ادعای اجماع عجیب است؛ با این همه فتوای به استحباب زیارت قبر پیامبر و سایر انبیاء از قدیم تا زمان ابن تیمیه و نیز اهتمام صحابه، تابعین و نیز علماء گذشته در زیارت قبور ایشان!!! آیا ایشان و نیز همه مسلمانان که به قصد زیارت قبر رسول خدا وارد مدینه می شده و قصد دیگری جز زیارت آن بقعه مبارک را نداشته اند مرتکب عمل حرام واضح شده اند؟! اگر اینگونه است چاره ای نیست جز آن که کلمه استرجاع گفته، فاتحه دین خدا را خواند! و این مصیبت بزرگی برای اسلام و مسلمین عالم از صدر تا الان و حتی تا آخر تاریخ به شمار می آید؛ زیرا تنها پیروان اندک ابن تیمیه مرتکب حرام نمی شوند و بقیه اهل اسلام، از صحابه، تابعین، تمام علمای سلف و مردمان عادی، گناهکار، مرتکبین حرام و حتی مشرکند! (عاملی، ۱۴۲۱: ۲۱/۵).

و اما دلیل هفتم؛ اولاً، این حرف با عمومیت امر رسول خدا به زیارت اهل قبور سازگار نیست؛ ثانیاً، آیا قائلین، استدلال بالا را در حق خودشان قبول می کنند؟ قطعاً به چنین حرفی تمایل ندارند و خواهند گفت ما به اسلام اقرار داشتیم؛ لذا دیگر محلی

برای این احتمالات باقی نمی ماند؛ ثالثاً، این بحث بخصوص نسبت به انبیاء الهی، اولیاء خدا، علمای دین و نامداران در تقوی حقیقتاً قابل تحمل نیست. به همین خاطر، برخی در مقام نقد، با تلخی گفته اند این حرف در نهایت سخافت، وقاحت، بی حیائی و بی شرمی است (سجاعتی، ۱۹۷۶: ۸).

اما اصل منع، علاوه بر آن که مسلم نیست در اینجا محلّ ندارد؛ زیرا دلایل فقهاتی شرعی و عقلی روشنی برای اثبات جواز وجود دارد (مرکز مباحث اعتقادی، ۱۴۳۰: ۱۵۵/۵).

بنابراین تمام دلایل بالا ضعیف بوده و در نتیجه، نظریه حرمت مطلق درست نیست. اما در اینجا یک نکته بسیار قابل توجه است و آن مسأله استناد این نظریه به ابن تیمیه است. در این خصوص ذکر سه نکته لازم است:

نکته اول: ابن عبدالهادی در الصارم المکی گفته که انتساب حرمت و نهی از اصل زیارت خصوصاً قبر نبی اکرم به ابن تیمیه، که سبکی آن را انجام داده است، درست نیست؛ زیرا ایشان در کنار قول به استحباب زیارت قبر نبی اکرم، تنها شد رحال و سفر به قصد زیارت ایشان را نهی کرده است (سبکی، ۱۴۱۹: ۴۰) اصحاب سبکی هم با تندی گفته اند ابن عبدالهادی چطور با تمام وقاحت این انتساب را نادرست دانسته است، با آن که ابن تیمیه اعتقاد دارد زیارت قبر پیامبر امکان ندارد؛ زیرا از رسول خدا نقل شده است که قبر من را عید قرار ندهید! اضافه بر آن که زیارت قبور، کار یهود، نصاری و بندگان قبور است و اجماع علما بر استحباب زیارت هم مربوط به مسجد پیامبر است نه قبر ایشان. جالب آن که عبدالهادی، خودش هم این کلمات را از ابن تیمیه نقل کرده است ولی باز ناباورانه انتساب حرمت به ابن تیمیه را انکار می کند. اضافه بر این، نه فقط سبکی بلکه بسیاری از اندیشمندان مهم جهان اسلام، حرمت مطلق زیارت را نظر بر گزیده ابن تیمیه می دانند (همان).

نکته دوم: ابن تیمیّه به مسأله قبور و ارتباط و تکالیف زندگان بعد از دفن میت در کتبی که از ایشان در دسترس است به تفصیل بحث کرده، و به شرح زیر مواردی را نهی و به یک یا دو موضوع هم توصیه (امر) کرده است:

۱- از سفر برای زیارت نهی کرده (ابن تیمیّه، ۱۴۰۸: ۱۴۹/۵؛ همو، ۱۴۲۴: ۱۶/۱۴) و گفته است؛ رفتن به قصد زیارت برای زن و مرد و نیز مسجده سازی و برافروختن چراغ و قندیل و نماز در آنجا حرام است (همان، ۱۴۲۴: ۱۷۵/۶؛ ۶۶/۱؛ ۲۷۴/۳).

۲- طلب دعا از میت را منع کرده (همان، ۱۴۱۸: ۱۷/۱) ولی در عین حال، زیارت مشروع به معنای زیارت اهل قبور و یادآوری آخرت و دعا برای رحمت و بخشش میت را مشروع دانسته است (همان) همچنین از کسانی که زیارت قبور و مشاهد را حجّ تلقّی می کنند انتقاد کرده و آنها را مستحقّ تعزیر می داند (همان: ۱۰۹/۵).

۳- از بوسیدن و لمس کردن قبور نهی کرده، آن را موجب تعزیر دانسته است (همان، ۱۴۲۴: ۱۶/۴؛ ۷۷/۹).

۴- نشستن کنار قبور (همان: ۲۹۰/۱۱) تعظیم قبور و مردگان، فراخواندن اموات، دعا با واسطه ایشان و طلب انجام برخی کارها از سوی آنها و در نهایت، ساخت مسجد و اقامه نماز در کنار قبور را حرام و از احوال شیطان می داند؛ زیرا اولاً، با روایات نبیّ اکرم سازگار نیستند؛ ثانیاً، در زمره اعمال یهود و نصاری قرار دارند؛ ثالثاً این کارها به معنای بت قرار دادن قبور و مشرکانه بودن زیارت است (همان: ۴۹/۱۵) بر همین اساس، گفته است اگر کسی فکر کند که دعا و نماز و ذکر در کنار قبور بهتر از مسجد است کافر شده است (همان: ۲۲۴/۲۳).

۵- ساختن مشاهد و گنبد بر روی مقابر را خارج از سیره صحابه، تابعین و حتّی تابعین تابعین دانسته و به همین دلیل مشروع نمی داند (همان: ۱۱/۳۱).

۶- آشکارا زیارت قبور را برای کسانی که نزدیک آن قبور هستند و به شرط آن که مقصود زائر تنها دعا و طلب بخشش برای میت باشد، مشروع دانسته است (همان: ۱۴۲۴: ۱۲۵/۳۳).

نکته سوّم: با این اوصاف، از نظر نگارندگان و برخی دیگر (عبدالله علی، ۱۴۲۶: ۱۲۲) آن چه نباید از نظر دور بماند این است که ایشان به صراحت نفس زیارت را برای ساکنین در کنار قبور و به قصد دعا برای میت مجاز دانسته است؛ لذا انتساب حرمت مطلق زیارت، دستکم به ابن تیمیّه، مخالف متونی است که رسیده است.

### ۳- نظریه سوّم: تفصیل بین زن و مرد

توضیح آن به شرح زیر است:

#### ۳-۱- مفاد نظریه

زیارت اهل قبور برای مردان جائز است اما برای زنان و افراد خنثی - به طور کلی - حتی از قبور فرزندان، خویشاوندان نسبی و حتی نبی اکرم، ائمه و بقیه مشاهد مشرفه، حرام بوده (لاری، ۱۴۱۸ (b)، ۳۰۶؛ مروارید، ۱۴۱۳: ۳۹۲/۳۸؛ شیخ طوسی، ۱۳۸۷: ۴۱/۶؛ انصاری، ۱۴۱۸: ۱۷۶/۱؛ مناوی، ۱۴۱۵: ۱۵۰/۶) و یا به اعتقاد احمد حنبل در یکی از نظرات خود (علامه حلّی، ۱۴۱۲: ۴۳۰/۷؛ ابن عبدالبر، ۱۴۰۷: ۸۷) و برخی دیگر (شعرانی، ۱۹۸۴: ۵۲؛ محقق حلّی، ۱۴۰۷: ۳۳۹/۱؛ لاری، ۱۴۱۸ (a): ۲۸۷) مکروه است؛ اگر چه برخی اندیشمندان اجازه شوهر را این احکام می‌دانند (ابن العابدین، ۱۴۱۵: ۲۶۴/۱؛ همان: ۴۵۷/۳).

#### ۳-۲- مستندات

مستندات این نظریه عبارت‌اند از:

۱- قیاس اولویّت در خبر مستفیض «مسجد المرأه بیته»؛ بر اساس منطوق این خبر، نماز خواندن زن داخل منزلش بر مسجد رحجان دارد و در واقع مسجد او، خانه اش است. وقتی در خصوص نماز که یک عمل واجب است، خانه بر مسجد تقدّم دارد برای امور مستحبّی مثل زیارت اهل قبور، به طریق اولی باید زن در منزل بماند و به قبرستان نرود. این اولویّت زمانی بیشتر جلوه می‌کند که رسول خدا، مطابق نقلی، در پاسخ به سؤال زنان از ایشان مبنی بر ارائه راهکاری که به اندازه جهاد در راه خدا و

همسان با عمل شوهرانشان در جنگ با دشمنان خداوند باشد، ثواب ماندن زنان در منزل را به اندازه ثواب جهاد در راه خداوند معرفی کردند (آلوسی، ۱۴۱۵: ۲۲/۶).

۲- زیارت اهل قبور با ستر و صیانت از زن و حریم قدسی او منافات دارد.

۳- زیارت اهل قبور ممکن است مستلزم اتلاف نفس خود توسط زنان شود که از آن نهی شده و حرام است و از آنجا که مستلزم حرام، حرام است پس زیارت قبور برای زنان حرام است.

۴- روایات؛ مانند خبر ابن عباس مبنی بر این که خداوند (ابن تیمیه، ۱۴۲۴: ۲۷۶/۲۰؛ حنفی، ۱۴۱۸: ۸۶؛ عظیم آبادی، ۱۴۱۵: ۱۱۷/۱۰) و رسول ایشان (هیثمی، ۱۴۱۱: ۶۵/۳) زنان زائر قبور، سازندگان مسجد و برپاکنندگان روشنایی در کنار قبور را لعنت می کنند. یا روایت مربوط به حضور حضرت زهراء در مراسم عزاداری بعضی از انصار؛ مطابق این خبر وقتی ایشان برگشتند، رسول خدا پرسیدند به قبرستان رفته بودی؟ گفتند: خیر، پیامبر فرمودند: اگر بروی، روز قیامت از اجدادت جدا شده و وارد دوزخ می شوی (سرخسی، ۱۴۰۶: ۱۰/۲۴).

۵- زنان صبرشان اندک است و فراوان جزع می کنند (انصاری، ۱۴۱۸: ۱۷۶/۱).

۶- رسول خدا به دلیل شیوع تجلیل از مردگان به سبک جاهلیت در جامعه صدر اسلام و ندبه و جزع زنان، ابتدا زیارت قبور را برای همگان حرام کردند اما بعد از آشنائی مسلمانان با آداب اسلامی، نهی مزبور از مردان برداشتند، ولی به خاطر ناتوانی زنان در اجتناب از ندبه و جزع بر آن اصرار کردند (ابن جوزی، ۱۴۱۸: ۲۱/۲).

۷- اجماع؛ از سبکی نقل شده است که فقیهان عامه بر استحباب زیارت مردان و حرمت زیارت زنان از قبور اجماع دارند (أبومعاش، ۱۴۲۸: ۳۲۶/۱).

### ۳-۳- نقد و بررسی

اما در مورد اولویت: اولاً، متن خبر محلّ بحث در مجامع روائی نیامده است؛ ثانیاً، نمی توان موضوع نماز را به موارد دیگر سرایت داد، زیرا فلسفه آن در متن دلیل نیامده است تا عمومیت آن موارد مشابه از جمله زیارت را نیز دربرگیرد؛ ثالثاً، عموماً

زیادی وجود دارد که زیارت زنان بخصوص از ائمه و بزرگان را بر ترک آن ترجیح داده است. همچنین مطابق خبر یونس؛ امام صادق فرمودند حضرت زهرا صبح شنبه‌ها به زیارت شهداء و از جمله مزار حمزه سید الشهداء رفته و برای ایشان طلب رحمت و مغفرت می‌کردند (علّامه حلّی، ۱۴۱۲: ۴۳۰/۷؛ مازندرانی، ۱۴۲۹: ۳۰۶/۲؛ محقق سبزواری، ۱۴۱۶: ۲۱۲/۴) و فعل ایشان به عنوان یکی از معصومین، حجت شرعی و حکم‌ساز است. بر این اساس، محلی برای قیاس اولویت نیست و باید به نصّ عمل شود؛ رابعاً، خبر قعود زنان در منزل، علاوه بر آن‌که برخی در صدور آن تردید دارند یا حتی با قاطعیّت آن را از اسرائیلیات می‌دانند (عاملی، ۱۴۲۶: ۲۱۸/۱۴) نافی فعالیت‌های اجتماعی زنان نیست؛ زیرا رسول خدا متنا سب با درخواست زنان، جایگزین جهاد در راه خدا را معرفی کردند و در مقام بیان لزوم نشستن زنان در منزل و حرمت خروج ایشان از خانه شوهر نبودند. شاهد آن هم این است که همان زمان و در مرآی و منظر رسول خدا زنان فعالیت‌های خارج از منزل، از جمله زیارت اهل قبور داشته‌اند؛ مثل زیارت حضرت زهرا از قبر رسول خدا و شهداء، زیارت ماهیانه امّ سلمه از قبور شهداء، زیارت فاطمه خزاعیه و خواهرش از قبر حمزه سید الشهداء و زیارت عایشه از قبر عمر و پدرش؛ ولی در عین حال نه تنها با نهی رسول خدا مواجه نشده‌اند بلکه نقل شده است که رسول خدا به عایشه شیوه زیارت قبور را نیز تعلیم می‌داده است (عبدالسلام، ۱۴۱۶: ۳۲).

اما در خصوص روایت لعن؛ اولاً، سند آن ضعیف است (ألبانی، ۱۴۱۱: ۳۵) زیرا جمهور فقیهان، ابوصالح باذان (یا باذام)، غلام ام هانی دختر ابوطالب، روای متصل به ابن عباس را تضعیف و حتی برخی به دروغگوئی متهم کرده‌اند (همو، ۱۴۰۹: ۲۹۷). اشکال: منظور ألبانی، ضعف سند نسبت به ذیل حدیث است نه صدر آن؛ زیرا گفته است در مجامع روایی فقط زنان زائر قبر نفرین شده‌اند و سازندگان مسجد و برپاکنندگان روشنائی نیامده است.

جواب: این درست نیست؛ زیرا ایشان در کتاب خود، کَلّی سخن گفته است و در واقع سند همه فقرات خبر را محلّ تردید دانسته‌اند (همان).

اشکال: با این وصف هم مشکلی پیش نمی‌آید چون عمل به خبر، ضعف آن را می‌پوشاند.

جواب: کدام اصحاب؟! کدام عمل؟! مشهور امامیه و عامّه که نظر اوّل را انتخاب کرده و به آن فتوا دادند.

ثانیاً، روایت لعن با اخبار زیر، نسخ شده است؛ به همین دلیل برخی آشکارا گفته‌اند نفرین مزبور مربوط به قبل از استیذان و تریخیص زیارت قبور است (عظیم آبادی، ۱۴۱۵: ۱۱۷/۱۰؛ محقق سبزواری، ۱۴۱۶: ۲۱۳/۴)؛ شاهد آن نیز این که از اُبی ملیکه نقل شده که به عائشه گفتم از کجا می‌آئید؟ گفت از زیارت قبر برادرم عبدالرحمن. گفتم مگر رسول خدا از زیارت قبور نهی نفرمودند؟ گفت اول نهی کردند ولی بعد از آن دستور دادند (ابن راهویه، ۱۴۱۲: ۶۵۵/۳؛ علامه حلّی، ۱۴۱۲: ۴۳۰/۷؛ مازندرانی، ۱۴۲۹: ۳۰۶/۲).

۱- من شما را از زیارت نهی کرده پس بروید زیارت کنید (علامه حلّی، ۱۴۱۲: ۴۳۰/۷)

۲- هر کس من [رسول خدا] را بعد از حیاتم زیارت کند مثل آن است که در زمان حیاتم زیارت کند یا هر کس من را زیارت کند او را شفاعت می‌کنم (زینی دحلان، ۱۹۷۶، ۵) نسخ شده است (عیاض، ۱۴۰۹: ۸۴/۲).

ثالثاً، رسول خدا از کنار قبرستانی می‌گذشتند؛ دیدند که زنی در کنار قبری بی‌صبری می‌کند. حضرت سه بار به ایشان توصیه به صبر کردند ولی ایشان را از زیارت نهی نکردند. روشن است که اگر زیارت قبور برای زنان حرام بود قطعاً ایشان آن زن را نهی می‌کردند؛ پس معلوم می‌شود نفس زیارت زنان مانعی ندارد و فقط بی‌صبری و جزع و افعال زائد دیگر مردود است (ابن قیّم جوزیه، ۱۴۱۸: ۱۰۵؛ محقق سبزواری، ۱۴۱۶: ۲۱۳/۴).



رابعاً، به اعتقاد نگارندگان خبر مربوط به حضور حضرت زهرا در مجلس عزاداری، ساختگی است، زیرا این مورد از جمله روایاتی است که با تدلیس راوی، غیر مستقیم شرک و کفر اجداد رسول خدا را تبلیغ می‌کند (نجمی، ۱۴۱۹: ۲۳۳) و شاید به همین دلیل برخی فحول عامه به این خبر و امثال آن عمل نکرده، فتوا به جواز و حتی استحباب زیارت قبور توسط زنان داده‌اند. توضیح مطلب آن که در کتاب صحیح مسلم و برخی منابع دیگر (طبری، ۱۳۵۶ق: ۲۵۸) اخباری هست مبنی بر این که والدین و اجداد رسول خدا مشرک بوده و بر همین عقیده از دنیا رفته‌اند؛ لذا در آتش هستند و پیامبر هم علیرغم درخواست و استیذان از خداوند، اجازه دعا و استغفار برای مادرشان را دریافت نکردند، ولی به ایشان اذن داده شد قبر مادرشان را زیارت کند. جالب آن که برخی، ضمن قطعی دانستن این اخبار، در مقام توجیه گفته‌اند که مطابق اجماع متکلمین، مشرکین زمان فطرت (قبل از بعثت)، از جمله والدین و اجداد رسول خدا، معذور بوده‌اند (شنقیطی، ۱۴۱۵: ۶۹/۳).

اما این برداشت و روایات قبول نیستند؛ زیرا:

اولاً- مطابق روایات صحیح (شیخ صدوق، ۱۳۹۵: ۱۷۵/۱-۱۷۴؛ همو، ۱۴۰۳: ۳۱۲/۱-۳۱۴؛ علامه مجلسی، ۱۴۰۳: ۸۱/۳۵؛ همان: ۱۲۷/۱۵) و نیز اسناد قطعی تاریخی، بسیاری از اعراب در زمان جاهلیت موحد بوده‌اند که مشهورترین آنها بنی‌هاشم، از جمله عبدالمطلب، ابوطالب و عبدالله پدر پیامبر هستند (ابن شهر آشوب، ۱۳۲۸: ۶۴/۲)؛ آنها نه تنها لحظه‌ای شرک نوزیدند، بتها را نپرستیدند و نیز رسومات اعراب را انجام ندادند که در مرأی و منظر قریش و نیز در خفاء و به دور از چشم آنان در غارات، خدا را عبادت می‌کردند (نجمی، ۱۴۱۹: ۲۳۳).

ثانیاً- خبر استیذان ابوهریره مطابق آنچه در مجامع روایی شیعه و نیز برخی متون تفسیری عامه وارد شده، درست نیست؛ زیرا پیامبر در پاسخ به سؤال اطرافیان، فقط به اجازه برای زیارت اشاره کردند و از کسب اجازه برای استغفار و مخالفت خداوند با

درخواست ایشان سخنی نگفته‌اند (طبرسی، ۱۳۹۰: النص/۹؛ ابن شهر آشوب، ۱۳۲۸: ۶۴/۲).

ثالثاً- آنگونه که برخی مفسرین گفته‌اند آیات قرآن (توبه: ۸۴) تکلیف دعا برای مردگان مشرک و حتی ایستادن بر سر قبر آنها را معلوم کرده بود و اگر آمنه مشرک بوده است، اجازه لازم نداشت. پس با وجود استیذان رسول خدا معلوم می‌شود موضوع، زیارت قبر یکی اهل ایمان بوده است؛ یعنی آمنه با ایمان از دنیا رفته و سابقه شرک نیز نداشته است. علاوه بر آن که آیه «انما المشركون نجس» (توبه: ۲۹) نشان می‌دهد عبدالله و ابوطالب مؤمن بوده‌اند؛ زیرا اگر مشرک بودند حتماً پیامبر و وصی ایشان فرزندان دو نجس بودند؛ در حالی که ایشان طاهر و پاک‌اند؛ همچنین رسول خدا زمان فوت ابوطالب ضمن خطبه‌ای فرمودند من روز قیامت برای عمویم شفاعتی می‌کنم که همگان تعجب کنند. اگر ایشان کافر بود رسول خدا به حکم آیات قبل برای او دعا و شفاعت نمی‌کردند و نیز ایشان به حضرت علی دستور دادند که جسد ابوطالب را غسل دهد و تجهیز کند. اگر ایشان کافر بود، رسول خدا وصی خود را مأمور تجهیز یک کافر نمی‌کردند (ابن شهر آشوب، ۱۳۲۸: ۶۴/۲؛ آلوسی، ۱۴۱۵: ۱۵۳/۱۰).

اشکال: آیات مربوط به نهی از استغفار برای مشرکان حتی اگر وابسته نسبی باشند (توبه: ۱۱۴-۱۱۳) زمان وفات ابوطالب نازل شده است. بر این اساس، دستکم ایشان با ایمان به خدا از دنیا نرفته است؛ هرچند این آیات خبر استیذان و در نهایت شرک آمنه را نیز تائید می‌کند.

جواب: اولاً- این آیات بعد از غزوه بنی مصطلق و سال ششم هجرت نازل شده است، در حالی که ابوطالب سه سال قبل از هجرت و سال دهم بعثت از دنیا رفته‌اند. ثانیاً- اتفاقاً آیه مزبور ایمان ابوطالب را ثابت می‌کند؛ زیرا اگر ایشان کافر بود رسول خدا نباید برای ایشان طلب مغفرت می‌کرد و حال آن که رسول خدا جنازه ایشان را مشایعت و برای ایشان طلب مغفرت کردند (عاملی، ۱۴۲۶: ۲۱۳/۱۴).

ثالثاً- تأیید مورد ادعا هم درست نیست؛ چون از یک طرف، آیه مزبور در اواخر حضور پیامبر در مدینه و به قول برخی، آخرین آیه‌ای است که نازل شده است، ولی روایت استیذان مربوط به فتح مکه، یا صلح حدیبیه یا سال ششم است. از سوی دیگر، نزول آیه و تعلیق آن تا زمان وقوع مورد در آینده، پذیرفتنی و معقول نیست (همان).

اما زیارت زمانی با ستر زنان منافات دارد که رفتارهای زائدی انجام شود و الا اگر همچون دوران معاصر، سنت‌های مختلفی برای جمع بین زیارت، ستر و صیانت از حجاب و امثال اینها دنبال شود، دلیل مزبور صادق نیست؛ همچنان که اگر زیارت در موردی به عمل حرامی مثل ایراد خسارات بدنی و امثال اینها منتهی شود قطعاً حرام است و کسی در آن تردید ندارد؛ اما اینها همگانی نیستند و به صورت موردی انجام می‌شود.

گفتنی است استلزام اتلاف نفس یا مال نیز اولاً، همین وضعیّت را دارد؛ ثانیاً، اختصاص به زنان ندارد، بلکه گاهی مردان هم این محذور را مرتکب می‌شوند. با این توصیف، آیا باید به طور کلی زیارت مردان را حرام دانست؟ خیر چون استقراء ناقص اعتبار فقهی ندارد؛ یعنی حکم فرد را به جمع تسری نمی‌دهند. پس از آنجا که حکم أمثال باید واحد باشد شایسته است در مورد زنان هم حکم افراد را به همه آنان سرایت نداد. بنا براین زیارت برای زن و مرد، به عنوان قاعده اولیه قبول است و در عین حال، استثناء هم دارند که به تناسب مورد، بررسی می‌شوند؛ ثالثاً، نتیجه استلزام مزبور حرمت زیارت زنان است نه کراهت (جواهر، بی تا: ۴/۳۳۳).

گفته شده است بله نتیجه آن حرمت می‌شود، اما اجماع مانع پذیرش آن شده است؛ ولی باید گفت این حرف درست نیست؛ چون اجماع اگر برپا شد نه فقط حرمت که کراهت را هم منتفی می‌کند. بله گاهی شعاع، دلیل را محدود می‌کند و حرمت تا حدّ کراهت کاهش می‌یابد، ولی این فقط در دلیل لفظی است نه استلزام؛ زیرا تنها دلایل لفظی هم ظهور در حرمت دارند و هم کراهت؛ و گرنه استلزام اتلاف، تنها با حرمت سازگار است.

اما در خصوص صبر کم و جزع فراوان زنان، اول آن که کلیت ندارد (میرزای قمی، ۱۴۱۷: ۵۶۲/۳)؛ دوم این که این قبیل دلایل استحسانی هستند و ظنی و به دلیل عدم حجیت ظن، قابل استناد نیستند. سوم آن که اگر چنین دلیلی صحیح باشد، باید زیارت قبور پیامبر و باقی انبیاء و نیز ائمه و اولیاء به طور قطع مکروه باشد؛ زیرا جزع و بی صبری در این موارد بیشتر از قبور افراد عادی است. در حالی که گویندگان، بدون ارائه هیچگونه دلیلی، این موارد را جائز دانسته‌اند و این نشان می‌دهد محذور جزع و ندبه، برای حرمت زیارت زنان، دستکم دلیل عام، قاطع و مناسبی نیست. به همین خاطر، ادعای اصرار بر نهی اولیّه رسول خدا از زیارت زنان هم وجهی ندارد بخصوص که اولاً، دلیل قاطعی برای تخصیص عمومیت امر بعد از نهی رسول خدا و اختصاص آن به مردان ارائه نشده است و ثانیاً، بقاء مزبور مخالفین زیاد و قابلی دارد، در حالی که طرفداران آن نادرند.

و بالأخره اجماع علاوه بر آن که مدرکی است، ضعف آن مطابق آن چه ذیل ادعای اجماع در نظریه دوم گذشت، واضح است.

#### ۴- نظریه چهارم: تفصیل بین قبور کفار، مشرکین و اهل اسلام

گفتنی های این نظر عبارت‌اند از:

##### ۴-۱- مفاد نظریه

تنها زیارت قبور مؤمنین و اهل اسلام جائز است ولی قبور اهل کفر و شرک از دائره اباحه خارج و حتی حرام است (انصاری، ۱۴۱۸: ۱۷۶/۱).

##### ۴-۲- مستندات

مستندات نظریه چهارم عبارتند از:

۱- نفس زیارت فارغ از دعا برای کفار و اهل شرک، مستلزم نوعی مودت و دوستی با دشمنان خداوند تلقی می‌شود که در آیات متعدّد قرآن (توبه: ۲۳؛ ممتحنه: ۱۳؛ مجادله: ۲۲) نهی شده است و از آنجا که مستلزم حرام، حرام است پس زیارت قبور کفار نیز حرام است.

۲- مقتضای جمع میان دلیل قبل و روایت استیذان، تنها جواز زیارت مسلمان از خویشاوندان مسلمان است و بیش از آن قابل اصطیاد نیست (شافعی صغیر، ۱۴۱۳: ۲۳/۳).

۳- اصل احتیاط؛ که مطابق آن وقتی در حرمت عملی مانند زیارت قبور اهل کفر و شرک، تردید هست باید ترک شود (آلوسی، ۱۴۱۵: ۱۵۵/۱۰).

### ۴-۳- نقد و بررسی

اما این که زیارت قبور کفار نوعی دوستی و مودت با دشمنان خدا محسوب می شود کلیت ندارد و استلزام آن عقلی نیست؛ زیرا ممکن است ضمن تنفر از میتی بر قبر او بایستد و این مورد، محال ذاتی و حتی وقوعی نیست. اما جمع میان ادله، در فرضی است که خبر استیذان با املائی طرفداران نظریه دوم درست باشد که نیست.

و اما اصل احتیاط؛ اولاً، در موضوع مقاله با وجود دلایل اجتهادی متعدد، جاری نیست. ثانیاً، محل بحث از موارد شبهه حکمیّه تحریمیّه و مجرای اصل برائت است، نه احتیاط.

### نتیجه گیری

با توجه به آن چه گذشت معلوم می شود:

۱- زیارت قبور توسط مرد و زن مسلمان، یک امر مباح و پسندیده است، ولی باید بر سر مزار به دعا، قرائت قرآن و طلب آمرزش برای رفتگان خاک بسنده و از افعال زائد و نامشروع اجتناب شود.

۲- استناد حرمت مطلق زیارت رفتگان خاک به ابن تیمیّه خلاف تحقیق است، هر چند ایشان با مشهور امامیه و عامه نیز همراهی نکرده اند.

۳- اعتقاد به سابقه شرک آباء و اجداد رسول خدا و عدم اجازه استغفار برای آمنه، درست نیست و مخالف اسناد متقن تاریخی، روایات متواتر و حتی برخی آیات قرآن است.

۴- علاوه بر آن که در موضوع جواز زیارت، فرقی میان زائر مرد یا زن نیست زیارت اهل کفر هم بلامانع است؛ النهایه دعا و طلب غفران برای اینان لغو بوده و حرام است.

## منابع

### - قرآن کریم.

- آل کاشف الغطاء (کاشف الغطاء)، محمدحسین (۱۴۱۶ق)، **نقض فتاوی الوهابیه**، ج ۶، تحقیق: سید غیاث طعمه، قم: مؤسسه آل البيت لإحياء التراث.

- آلوسی، سید محمود (۱۴۱۵ق)، **روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و ال سبع المثانی**، ج ۵ و ۶ و ۱۰، تحقیق: علی عبدالباری عطیه، بیروت: دار الکتب العلمیه.

- ابن ابی جمهور احسانی (۱۴۰۵ق)، **عوالی (غوالی) اللئالی العزیزیه**، ج ۱ و ۲، قم: دار سید الشهداء.

- ابن ابی فراس، ورام؛ ابن عیسی، مسعود (۱۴۱۰ق)، **تنبيه الخواطر ونزهة النواظر المعروف بمجموعه ورام**، ج ۱، قم: مکتبه الفقیه.

- صدوق (صدوق)، محمد بن علی بن حسین بن بابویه قمی (۱۴۰۶ق)، **ثواب الأعمال و عقاب الأعمال**، ج ۲، قم: دار الشریف الرضی.

- صدوق (شیخ)، محمد بن علی بن حسین بن بابویه قمی (۱۴۰۳ق)، **الخصال**، ج ۱، تصحیح: علی أكبر غفاری، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.

- صدوق (شیخ)، محمد بن علی بن حسین بن بابویه قمی (۱۴۲۷ق)، **علل الشرائع**، ج ۲، قم: مکتبه الداوری.

- صدوق (شیخ)، محمد بن علی بن حسین بن بابویه قمی (۱۳۹۵ق)، **کمال الدین و تمام النعمه**، ج ۱، ج ۲، تصحیح: علی أكبر غفاری، تهران: اسلامیه.

- صدوق (شیخ)، محمد بن علی بن حسین بن بابویه قمی (۱۴۱۵ق)، **المنقح**، قم: مؤسسه الإمام المهدي عجل الله تعالی فرجه الشریف.

- صدوق (شیخ)، محمد بن علی بن حسین بن بابویه قمی (۱۴۱۳ق)، **من لا يحضره الفقيه**، ج ۱، تصحیح: علی أكبر غفاری، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.

- صدوق (شیخ)، محمد بن علی بن حسین بن بابویه قمی (۱۴۱۸ق)، **الهدایه**، قم: مؤسسه الامام الهادی.

- ابن بلبان، علاء الدین فارسی (۱۴۱۴ق)، **صحیح ابن حبان**، ج ۱۲، ۲، بیروت: مؤسسه الرساله.
- ابن تیمیه، أحمد بن عبدالحلیم (۱۴۰۸ق)، **الفتاوی الکبری**، ج ۵، بیروت: دار الکتب العلمیه.
- ابن تیمیه، أحمد بن عبدالحلیم (۱۴۲۴ق)، **مجموعه الفتاوی**، ج ۲۰، ۳۳، ۳۵، ریاض: وزاره الشؤون الاسلامیه و الدعوه و الارشاد السعودیه - مجمع الملك فهد لطباعة المصحف الشریف.
- ابن تیمیه، أحمد بن عبدالحلیم (۱۴۱۸ق)، **المستدرک علی مجموع فتاوی ابن تیمیه**، ج ۱، تحقیق: محمد بن عبدالرحمن بم قاسم، بی جا: محمد بن عبدالرحمن بن قاسم.
- ابن جوزی، عبدالرحمن (۱۴۱۸ق)، **کشف الم شکل من حدیث الصحیحین**، ج ۲، ریاض: دار الوطن.
- ابن حنبل (امام)، أحمد (بی تا)، **المسند**، ج ۳، بیروت: دار صادر.
- ابن راهویه، اسحاق (۱۴۱۲ق)، **مسند ابن راهویه**، ج ۳، مدینه: مکتبه الایمان.
- ابن شهر آشوب، محمد (۳۲۸ق)، **مت شابه القرآن و مختلفه**، ج ۲، تهران: مکتبه البوذر جمهری (المصطفوی).
- ابن قدامه، عبدالرحمن (بی تا)، **الشرح الکبیر**، ج ۲، بیروت: دار الکتب العربی.
- ابن قدامه، عبدالله (بی تا)، **المغنی**، ج ۲، بیروت: دار الکتب العربی.
- ابن قولویه، جعفر (۱۳۹۷ق)، **کامل الزیارات**، تصحیح: عبدالحسین امینی، نجف اشرف: دار المرتضویه.
- ابن قیم جوزیه، شمس الدین (۱۴۱۸ق)، **عده الصابین و ذخیره الشاکرین**، ج ۷، بیروت: دار الکتب العربی.
- ابن مرزوق، ابوحامد (۱۹۷۶م)، **التوسل بالنبی و جهله الوهابیین**، استانبول: مکتب ایشیق- حسین حلمی بن سعید.
- ابن هبه الله (ابن ابی الحدید)، عبدالحمید (۱۹۵۹م)، **شرح نهج البلاغه**، ج ۲۰، تحقیق: محمد أبو الفضل ابراهیم، ج ۲۰، بیروت: دار احياء الکتب العربی - عیسی البابی الحلبي و شرکاءه.
- أبو معاش، سعید (۱۴۲۸ق)، **الشیعه الفرقة الناجیه**، ج ۱ و ۲، قم: مؤسسه السیده المعصومه.
- اراکی، محمدعلی (۱۴۱۵ق)، **کتاب الطهاره**، ج ۱، قم: مؤسسه در راه حق.
- حلی (علمه)، حسن بن یوسف (۱۴۱۲ق)، **منتهی المطلب فی تحقیق المذهب**، ج ۷ و ۶، مشهد: مجمع البحوث الاسلامیه.

- حلی (علامه)، حسن بن یوسف (۱۴۱۹ق)، **نهايه الاحكام في معرفه الاحكام**، ج ۲، قم: مؤسسه آل البيت عليهم السلام.
- اصبهانی، أبو نعیم (۱۴۱۵ق)، **مسند أبي حنيفة**، رياض: مكتبة الكوثر.
- ألبانی، محمدناصر (۱۴۰۹ق)، **تمام المنه**، رياض، عمان، اردن: دار الرايه للنشر و التوزيع - المكتبة الاسلاميه.
- ألبانی، محمدناصر (۱۴۱۱ق)، **ضعيفُ سنن الترمذی**، تحقيق و إشراف: زهير الشاويش، بيروتك المكتب الاسلامي.
- القاری، ملاعلی (بی تا)، **شرح مسند أبي حنيفة**، بيروت: دار الکتب العلميه.
- امين (ابن العابدین)، محمد (۱۴۱۵ق)، **حاشیه ردّ المختار**، ج ۳، بیروت: دار المعرفه.
- انصاری، زکریا (۱۴۱۸ق)، **فتح الوهاب**، ج ۱، بیروت: منشورات محمدعلی بیضون، دار الکتب العلميه.
- انصاری (شافعی صغیر)، شمس الدین محمد (۱۴۱۳ق)، **نهايه المحتاج الي شرح المنهاج**، ج ۳، بیروت: دار إحياء التراث العربي.
- انصاری، محمدعلی (۱۴۲۰ق)، **الموسوعه الفقهيه الميسره**، ج ۳، قم: مجمع الفكر الاسلامي.
- بیضاوی، عبدالله (۱۴۱۸ق)، **أنوار التزیل و أسرار التأویل (تفسیر البيضاوی)**، ج ۳، تحقيق: محمد عبدالرحمن المرعشلی، بیروت: دار إحياء التراث العربي.
- بیومی، محمد (۱۴۱۸ق)، **السیده فاطمه الزهراء**، اصفهان: سفیر اصفهان.
- پاینده، أبو القاسم (۱۴۲۴ق)، **نهج الفصاحه (الكلمات القصار للنبي صلی الله عليه وآله)**، ج ۴، تهران: دنیای دانش.
- تفتازانی، مسعود (۱۴۰۱ق)، **شرح المقاصد في علم الكلام**، ج ۲، پاکستان: دار المعارف النعمانيه.
- جزائری، عبدالله (بی تا)، **تحفه السنیه في شرح نخبه المحسنیه**، نسخه خطی در نرم افزار مكتبه اهل البيت عليهم السلام.
- الجزیری، عبدالرحمن؛ غروی، سید محمد؛ یاسر، مازح (۱۴۱۹ق)، **الفقه علی المذاهب الاربعه و مذهب أهل البيت (عليهم السلام)**، ج ۳، بیروت: دار الثقلین.
- حرّ عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق)، **تفصیل و سائل الشیعه إلى تحصیل مسائل الشریعه**، ج ۱۴، ۵، ۷، ۳، ۲، قم: مؤسسه آل البيت (ع).
- حرّ عاملی، محمد بن حسن (۱۴۱۴ق) **هدایه الأئمه إلى أحكام الأئمه**، ج ۳، ۵، مشهد: الرضوه الرضویه، مجمع البحوث الإسلاميه.



- حسینی (میرداماد)، سید محمدباقر (۱۴۰۵ق) **الرواشح السماویة**، قم: دار الحديث.
- حسینی میلانی، سید علی (۱۴۲۱ق)، **إمامه بقیة الأئمة**، قم: مرکز الأبحاث العقائدية.
- حقی بروسوی، اسماعیل (۱۴۰۵ق)، **تفسیر روح البیان**، ج ۳، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- حلی (محقق)، جعفر بن حسن (۱۴۰۷ق)، **المعتبر فی شرح المختصر**، ج ۱، تحقیق و تصحیح: محمد علی حیدری، سید مهدی شمس الدین، سید ابو محمد مرتضوی و سید علی موسوی، قم: مؤسسه سید الشهداء علیه السلام.
- حمود عاملی، محمد جمیل (۲۰۲۰م)، **الفوائد البهية فی شرح العقائد الإمامية**، ج ۲، ج ۲، بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات - مرکز العترة للدراسات و البحوث.
- حنفی، محمد بخیت (۱۳۹۶ق)، **تطهير الفؤاد**، استانبول: مكتبة اشيق.
- حنفی، علی محمد فتح الدین (۱۴۱۸ق)، **فلک النجاه فی الامامه و الصلاة**، ج ۲، تحقیق شیخ ملا اصغر علی محمد جعفر، بیروت: مؤسسه دار الاسلام.
- خرازی، سید محسن (۱۴۱۸ق)، **بدايه المعارف الالهيه فی شرح عقائد الإمامية**، ج ۱، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
- الدردیر (أبو البركات)، أحمد (بی تا)، **الشرح الكبير**، ج ۱، بیروت: دار إحياء التراث العربی - عیسی البابی الحلبي و شركاه.
- الدویش، أحمد (۱۴۰۹ق)، **فتاوی اللجنة الدائمة للبحوث العلمیه و الإفتاء**، ج ۱، ریاض: دار العاصمة.
- زینی دحلان، أحمد (۱۹۷۶ق) **الدرر السیة فی الرد علی الوهابیة**، استانبول: مكتبة اشيق.
- سبزواری (محقق)، سید عبدالاعلی (۱۴۱۶ق)، **مهذب الاحكام فی بیان الحلال و الحرام**، ج ۱۵ و ۱۴، قم: کتابخانه آیه الله العظمی سید سبزواری.
- سبکی، علی (۱۴۱۹ق)، تحقیق: سید محمدرضت حسینی جلالی، ج ۴، حیدر آباد (هند): دائره المعارف العثمانیه.
- سجای، أحمد (۱۹۷۶ق)، **رساله فی اثبات کرامات الأولیاء**، استانبول: مكتبة اشيق.
- سرخسی، شمس الدین (۱۴۰۶ق)، **المبسوط**، ج ۲۴، بیروت: دار المعرفه.
- سیوطی، جلال الدین (۱۴۰۱ق)، **الجامع الصغير**، ج ۲، بیروت: دار الفكر.
- شافعی (امام)، محمد (بی تا)، **المسند**، بیروت: دار الکتب العلمیه.
- شعرانی، عبدالوهاب (۱۹۸۴ق)، **علماء الاسلام و الوهابیون**، استانبول: حسین حلمی بن سعید.

- شنقيطی، محمد أمين (۱۴۱۵ق)، **أضواء البيان**، ج ۳، بيروت: دار الفكر.
- طباطبائي (علامة)، سيد محمد حسين (۱۴۱۷ق)، **الميزان في تفسير القرآن**، ج ۹، ج ۵، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
- طبرانی، سليمان (۱۴۱۵ق)، **المعجم الأوسط**، ج ۷، مصر و سودان: دار الحرمين.
- طبرانی، سليمان (۱۴۰۴ق)، **المعجم الكبير**، ج ۱۱ و ۲۳، بيروت: دار إحياء التراث العربي.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۹۰)، **إعلام الوری بأعلام الهدی**، ج ۳، تهران: اسلامیه.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۴۱۳ق)، **مجمع البيان في تفسير القرآن**، ج ۵، ج ۳، تحقيق: محمدجواد بلاغی، تهران: ناصر خسرو.
- طبری، احمد (۱۳۵۶ق) **ذخائر العقبی**، قاهره: مكتبة القدسی لصاحبها حسام الدين القدسی.
- طحطاوی، أحمد (۱۴۰۶ق)، **المنحة الوهبيّة في ردّ الوهابيّة**، ج ۲، استانبول: مكتبة الحقيقة.
- طوسی (شيخ الطائفة)، محمد بن حسن (۱۴۱۴ق)، **الأمالی**، قم: دار الثقافة.
- طوسی (شيخ الطائفة)، محمد بن حسن (۱۳۸۷ق)، **المبسوط في فقه الاماميّة**، ج ۶، ج ۳، قم: المكتبة المرتضويّة لآحياء الآثار الجعفريّة.
- عاملی، سيد جعفر مرتضى (۱۴۲۶ق)، **الصحيح من سيره النبي الاعظم**، ج ۱۴، قم: دار الحديث.
- عاملی، سيد جعفر مرتضى (۲۰۰۵م)، **مختصر مفيد**، ج ۱۲، بيروت: المركز الاسلامی للدراسات.
- عاملی، سيد جعفر مرتضى (۱۴۲۳ق)، **الم مصطفى من سيره اله مصطفى**، ج ۵، بيروت: المركز الاسلامی للدراسات.
- عاملی (شهيد أول)، محمد بن مكي (۱۴۱۲ق) **البيان**، تحقيق شيخ محمد الحسون، قم محمد الحسون.
- عاملی (شهيد أول)، محمد بن مكي (۱۴۱۷ق)، **الدروس الشرعيّة في فقه الإماميّة**، ج ۳، ج ۲، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
- عاملی (شهيد أول)، محمد بن مكي (۱۴۱۹ق)، **ذكرى الشيعة في أحكام الشريعة**، ج ۲ و ۳، تحقيق و تصحيح: جمعی از پژوهشگران در مؤسسه آل البيت عليهم السلام، قم: مؤسسه آل البيت عليهم السلام.
- عاملی، مهدي (۱۴۲۱ق)، **الانتصار (أهم مناظرات الشيعة في شبكات الإنترنت)**، ج ۲، بيروت: دار السيرة.
- عبدالسلام، عمر (۱۴۱۶ق)، **مخالفة الوهابيّة للقرآن و السنة**، بيروتك دار الهداية.

- عبدالله علی، حسن (۱۴۲۶ق)، **الحصون المنيعه (ردُّ علی کتاب: حوار هادئ [هادء] بين السنه و الشيعه)**، قم: مؤسسه عاشوراء.
- عظیم آبادی، محمد شمس الحق (۱۴۱۵ق)، **عون المعبود شرح سنن أبي داود**، ج ۱ و ۱۰، بیروت: دار الکتب العلمیہ.
- عیاض، قاضی (۱۴۰۹ق)، **الشفاء بتعريف حقوق المصطفى**، ج ۲، بیروت: دار الفکر.
- غزالی، أبو حامد (بی تا)، **إحياء علوم الدین**، ج ۳، بیروت: دار الکتب العربیہ.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق)، **الکافی**، ج ۳، ج ۴، تحقیق و تصحیح: علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، تهران: دار الکتب الإسلامیہ.
- گیلانی (میرزای قمی)، أبو القاسم (۱۴۱۷ق)، **غنائم الأيام في مسائل الحلال و الحرام**، ج ۳، قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه.
- لاری، سید عبدالحسین (۱۴۱۸ق)، **التعليقه على رياض المسائل**، قم: مؤسسه معارف اسلامی.
- لاری، سید عبدالحسین (۱۴۱۸ق)، **مجموعه رسائل (فارسی)**، قم: بنیاد معارف اسلامی.
- مازندرانی، محمد هادی (۱۴۲۹ق)، **شرح فروع الکافی**، ج ۲، تحقیق و تصحیح: محمدجواد محمودی و محمدحسین درایتی، قم: دار الحدیث.
- مجلسی (علّامه)، محمد باقر (۱۴۰۳ق)، **بحار الأنوار الجامعه لدرر أخبار الأئمه الأطهار**، ج ۱۵ و ۳۵، ج ۲، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- محلی، جلال الدین؛ سیوطی، جلال الدین (۱۴۱۶ق)، **تفسیر الجلالین**، ج ۱، تحقیق: عبدالرحمن أبی بکر سیوطی، بیروت: مؤسسه النور للمطبوعات.
- مرکز مباحث اعتقادی (۱۴۳۰ق)، **موسوعه من حياه المستبشرين**، ج ۵، قم: مرکز مباحث اعتقادی.
- مروارید، علی اصغر (۱۴۱۳ق)، **سلسله الینایع الفقهيّه**، ج ۳۸، بیروت: مؤسسه فقه الشيعه.
- مظفر، محمدرضا (بی تا)، **عقائد الاماميّه**، تحقیق: حامد حفنی داود، قم: انصاریان.
- معراج الدین، حکیم (بی تا)، **الاصول الاربعه في تروید الوهاييّه**، استانبول: مکتبه اشيق.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۴۲۸ق)، **الشيعه، شبهات و ردود**، ترجمه: أحمد محمد الحرز، قم: مدرسه امام علی بن ابی طالب علیه السلام.
- ممدوح، محمود سعید (۱۴۱۶ق)، **رفع المناره**، اردن: دار الامام النوی.

- مناوی، محمد عبدالروؤف (۱۴۱۵ق)، **فیض القدير شرح جامع الصغير**، ج ۴ و ۶، تصحيح: أحمد عبدالسلام، بيروت: دار الكتب العلمیة.
- نيهانی، يوسف (۱۹۸۴ق)، **شواهد الحق في الاستغاثه بسيد الخلق (صلى الله عليه وآله و سلم)**، استانبول: حسين حلمی بن سعيد.
- نجمی، محمدصادق (۱۴۱۹ق)، **أضواء على الصحيحين**، قم: مؤسسه المعارف الاسلامیة.
- نسائی، أحمد بن شعیب (۱۳۴۸ق)، **سنن النسائی**، ج ۷، بيروت: دار الفكر.
- نمری قرطبی (ابن عبدالبر)، يوسف (۱۴۰۷ق)، **الكافي**، بيروت: دار الكتب العلمیة.
- نیشابوری، مسلم بن حجاج (بی تا)، **صحيح مسلم**، ج ۲ و ۶، بيروت: دارالفکر.
- وردانی، صالح (۱۴۲۴ق)، **فرق أهل السنه جماعات الماضی و جماعات الحاضر**، قم: مرکز أبحاث العقائديہ.
- هيثمی، نور الدين (۱۴۰۸ق)، **مجمع الزوائد**، ج ۴، ج ۱، بيروت: دار الكتب العلمیة.
- هيثمی، نور الدين (۱۴۱۱ق)، **موارد النظمأن**، ج ۳، تحقيق: حسين سليم اسد الدارانی، بيروت: دار الثقافه العربیة.

